

فناوری

اولین درمان یک زن مبتلا به ایدز بوسیله پیوند سلول‌های بنیادی



یک بیمار آمریکایی مبتلا به سرطان خون پس از دریافت سلول‌های بنیادی اهدا کننده‌ای که به طور طبیعی در برابر ویروس عامل بیماری ایدز مقاوم است، بهبود یافت و تبدیل به سومین فرد و اولین زن بهبود یافته از این بیماری با کمک پیوند تا به امروز شد.

به گزارش ایسنا و به نقل از رویترز، اطلاعات مربوط به این مورد که یک زن میانسال با نژادی مختلط بود در کنفرانس ترروویروس‌ها و عفونت‌های فرصت طلب در دنور ارائه شد. این اولین باری است که از خون بندناف استفاده شده است، وریکدری جدید که می‌تواند این درمان را برای افراد بیشتری قابل دسترس کند.

این زن از زمان دریافت خون بند ناف برای درمان سرطان خون تاکنون و به مدت ۱۴ ماه عاری از هرگونه ویروس و در حال بهبود بوده و نیازی به درمان‌های قوی اچ‌آی‌وی(HIV) موسوم به درمان‌های ضد ویروسی نداشته است. دو مورد دیگری که از این بیماری بهبود یافته بودند دو مرد هستند که یکی از آنها سفید پوست و دیگری لاتین است. آنها سلول‌های بنیادی یک فرد بالغ را دریافت کردند.

شارون لوین (Sharon Lewin)، رئیس منتخب انجمن بین‌المللی ایدز در بیانیه‌ای گفت: این سومین گزارش از درمان در این شرایط و اولین مورد از درمان یک زن مبتلا به اچ‌آی‌وی است.

این مورد بخشی از یک مطالعه بزرگ‌تک تحت حمایت ایالات متحده است که توسط دکتر ایوبون برایسون (Yvonne Bryson) از دانشگاه کالیفرنیا لس‌آنجلس و دکتر دیورا پرساود (Deborah Persaud) از دانشگاه جان هاپکینز در بالتیمور انجام شده است. هدف این مطالعه دنبال کردن ۲۵ فرد مبتلا به اچ‌آی‌وی است که تحت درمان پیوند سلول‌های بنیادی به دست آمده از خون بند ناف قرار گرفته‌اند.

بیماران در این آزمایش ابتدا تحت شیمی درمانی قرار می‌گیرند تا سلول‌های ایمنی سرطانی از بین بروند. سپس پزشکان سلول‌های بنیادی را از افراد دارای جهش ژنتیکی خاص به آن‌ها پیوند می‌زنند. سلول‌های این افراد دارای جهش فاقد گیرنده‌های مورد استفاده ویروس برای آلوده کردن سلول است و دانشمندان بر این باورند که بیماران پس از این درمان، سیستم ایمنی مقاوم در برابر اچ‌آی‌وی ایجاد می‌کنند.

لوین می‌گوید که پیوند مغز استخوان استراژی مناسبی برای درمان اکثر افراد مبتلا به اچ‌آی‌وی نیست، این گزارش نشان می‌دهد که درمان اچ‌آی‌وی امکانپذیر است و زن‌درمانی استراژی مناسبی برای این کار است.

ایسن مطالعه نشان می‌دهد که یکی از عناصر مهم برای موفقیت آمیز بودن درمان، پیوند سلول‌های مقاوم در برابر اچ‌آی‌وی است.

پس از این دانشمندان باور داشتند که عوارض جانبی رایج پیوند سلول‌های بنیادی موسوم به بیماری پیوند در مقابل میزبان (graft-versus-host disease) که در آن سیستم ایمنی اهدا کننده به سیستم‌ایمنی گیرنده حمله می‌کند می‌تواند در درمان احتمالی نقش داشته باشد.

لوین می‌گوید: در مجموع این سه مورد به شناسایی اجزاء مختلف پیوند که می‌توانند کلید رسیدن به درمان باشند، کمک می‌کنند.

فیلم بازی

آرواره‌ها



«آرواره‌ها» فیلمی آمریکایی به کارگردانی استیون اسپیلبرگ، محصول سال ۱۹۷۵ است. فیلم داستانی از حمله‌های یک کوسه بزرگ سفید به انسان‌ها و تلاش‌های یک افسر پلیس برای نگاهبانی از مردم در برابر این کوسه است. آرواره‌ها بر پایهٔ رمانی به همین نام نوشته پیتز پنجلی ساخته شده‌است. این فیلم اولین فیلم مهم اسپیلبرگ محسوب می‌شود که برای او شهرت جهانی آورد و یک شبه او را معروف و پولدار کرد. بیشتر شهرت فیلم به خاطر سبک نو آورانه و خاص خود در آن

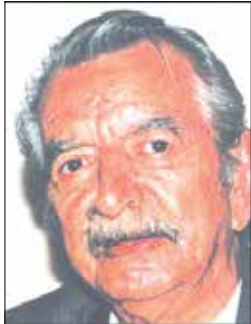
سال‌ها بود که بسیار در سطح جهانی دیده شد. این فیلم نه تنها پرفروش‌ترین فیلم سال شد و تا سال ۱۹۷۷ پرفروش‌ترین فیلم جهان بود بلکه اکنون با محاسبه نرخ تورم با فروشنی معادل ۲۷۰۲۷ دلار یکی از ده فیلم پرفروش تاریخ با محاسبه نرخ تورم است. این فیلم همچنین جز ۲۵۰ فیلم برتر تاریخ سینما در سایت imdb است و در ۵۰۰ فیلم برتر تاریخ سینما به انتخاب مجله امپایر جز ۱۰ فیلم اول است. به نظر خیلی‌ها آرواره‌ها بهترین فیلم اسپیلبرگ محسوب می‌شود. نامزدی‌ها و جوایز: برنده اسکار بهترین موسیقی، برنده اسکار بهترین تدوین، برنده اسکار بهترین میکس صدا، نامزد اسکار بهترین فیلم، برنده گلدن گلوب بهترین موسیقی و برنده بغتای بهترین موسیقی.

روزنامه‌سازی

روزنامه کیهان - ۲۸ بهمن ۱۳۵۹

دو تیتسر بالای صفحه روز روزنامه کیهان مربوط به سخنان امام خمینی و فرزندش احمد خمینی بود. امام خمینی در واکنش به قلم‌هایی که در مقابل انقلاب قرار داشتند، گفته بودند: «این بزرگترین اهانت به ملت است که گویند طاعونی را برداشتند و طاعون دیگر آوردند». احمد خمینی هم در نامه ای خطاب به نمایندگان مجلس نوشته بود: «چماقداری باید هر چه زودتر ریشه کن نشود». وی در این نامه نوشته بود: چرا مسئولان مملکتی چماقداران را دستگیر نمی‌کنند؟ امام بارها و بارها فرموده اند که اظهار عقیده آزاد و توطنه ممنوع است، اما شاید مهمترین سخن احمد خمینی این جمله است که بعد از چهار دهه می‌توان درباره درستی اش قضاوت کرد: «اگر تا زود است جریان چماق داری را از ریشه کن کنید، فردا دیر است و شما خودتان قربانی این نوع تفکر می‌شوید.»

چهره‌ها



«وی بلا، وی دل، وی دل بلا، وی دل بلا»ی که از اشعار اوست معروف است. از آثار عماد یقین است. به «یک شب در بهشت» مثنوی حاوی پانصد بیت در بحر خفیف به سال ۱۳۲۰ «شبی بر مزار خیام» به سال ۱۳۲۹ و «کتیاجه «سویو» و «دیوان عماد خراسانی» اشاره کرد. وی پس از یک دوره بیماری در صبح روز شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۸۲ در تهران در سن ۸۲ سالگی درگذشت. «مهدی اخوان ثالث» که یکی از دوستان صمیمی عماد بود در مقدمه‌ای بر کتاب «ورقی چند از دیوان عماد» شرح حال و زندگی کاملی از عماد را نوشته که این کتاب تاکنون بارها با همان مقدمه جدید چاپ شده‌است. به گفته اخوان ثالث «اگر شعر را در معنای حقیقی‌ش به‌جای آوریم، نه فقط فن و صنعت‌گری و مهارت در تمثیت امر و قافیه و کلمات، بی‌شک عماد در غزل‌سرایی از شاعران برجسته و تراز اول معاصر است و در قیاسی وسیع‌تر، سخن از این و آن متمایز است.»

مایکل جوردن؛ ورزشکار افسانه‌ای

مایکل جفری جردن، بازیکن حرفه‌ای سابق بسکتبال اهل آمریکا، کارآفرین، و مالک عمده و همچنین رئیس تیم بسکتبال شارلوت هورنتز می‌باشد. مایکل با ظهورش در عرصه بسکتبال، دنیا را به خود خیره کرد. در طول دوران بازی‌اش در شیکاگو بولز، به این تیم محبوب و پرفر فار کمک کرد تا ۶ بار قهرمانی به دست آورد. بازی فوق‌العاده جردن در زمین بسکتبال همگان را مجذوب خود می‌کرد. هنوز هم که هنوز است دیدن فیلم بازی‌های او یک کلاس آموزشی به تمام معنا برای بسکتبالیست‌ها و علاقه مندان به این ورزش می‌باشد. بهترین بازیکن تاریخ بسکتبال جهان در بروکلین نیویورک چشم به جهان گشود و جیمز نام مایکل را برای فرزندش انتخاب کرد. جردن از کودکی علاقه‌مندش‌اش به بسکتبال را نشان داد و در ۱۳ سالگی با تحسین دوستان و آشنایانش روبه‌رو شد. او در حیاطی که پدرش آن را تبدیل به زمین بسکتبال کرده بود، توانست استعدادهای خودش را نشان بدهد. همسایه‌های آن‌ها روزهای آخر هفته به خانه پدری جردن می‌رفتند و در آنجا علاوه بر بسکتبال بازی کردن، باربیکیو می‌خوردند. مایکل در چنین شرایطی در ولیمینگتون کارولینای شمالی بزرگ شد. جردن همچون همه بازیکنان حاضر در NBA نخستین حضورش را در بسکتبال لیگ دانشجویی تجربه کرد. او در سال ۱۹۸۱ به تیم کارولینای شمالی پیوست و تنها دو سال بعد به عنوان بهترین بازیکن فصل این رقابت‌ها برگزیده شد. این جایزه در سال ۱۹۸۴ دوباره به بسکتبالیست آمریکایی رسید. در تابستان آن سال جردن با لقب «او قادر به انجام هر کاری است» در کشورش به شهرت رسید و سپس عضو یکی از بهترین تیم‌های آمریکای شمالی یعنی ایندیا ولووز شد و خیلی زود توانست مدال بازی‌های المپیک ۱۹۸۴ لس آنجلس را بر گردن بیاورد. او جزئی که پنج بازیکن بزرگ تیم ملی آمریکا به نام‌های لئون وود، سم کرکینس، وایمن تیسدیل و پاتریک اوینگ بود که توانستند همه حرفیان را کنار بزنند و همه دنیا نشان داده شد. جردن به عنوان یک بسکتبالیست در دفاع، توپگیری، پاس سریع، امتیاز آوری، پرتاب فوق‌العاده بود و با حرکت‌های آکروباتیک خود حرفیان را فریب می‌داد و به نظر می‌رسید می‌تواند لحظاتی در هوا بماند و لقب مرد آسمان را به خود بگیرد. او بیرون از میادین نیز همیشه به خاطر سادگی و صداقتش تحسین می‌شد.

طرح روز

محمد فرجی



گرفتاری

مشقت‌های پدر بودن

داستان هفته

پل

علی بازارزعی

هوا هنوز ابری بود ولی باران نمی‌بارید. شب گذشته تا صبح یک‌ریز باران باریده بود و حالا همه چیز آرام بود.
شاهرخ منصوری با موتورسیکلت این سوی آب ایستاده بود و نمی‌توانست به طرف دیگر برود. او معلم روستای سرتیوک بود. روستایی که دو قسمت داشت سرتیوک علیا یا بالادست بر بالای بلندی و سرتیوک سفلی یا پایین‌دست در پایین. از میانه دو قسمت رودی می‌گذشت که در بیشتر ایام سال کم آب بود اما هنگام بارندگی آبش آن‌چنان زیاد می‌شد که گذر از یک سو به سوی دیگر مشکل بود.

منصوری هر روز صبح زود با موتور از هفتکل می‌آمد سرتیوک و عصر بر می‌گشت هفتکل.

منصوری که هنوز به امید عبور از رودخانه بود از موتور پیاده شد.

موتورش را روی جک گذاشت و به آب خروشان خیره شد.

مدرسه در بالادست بود و او در پایین‌دست گیر افتاده بود و نمی‌توانست خودش را به آن سو برساند. دانش‌آموزان پایین دست یکی، یکی و دوتا، دوتا تا گوشه و کنار می‌آمدند و دور منصورى جمع می‌شدند.

خیبر دانش‌آموز کلاس پنجم گفت: -«آقا آب زیاد نمیشه رفت اون طرف.»

منصوری می‌آن‌که سرس برگرداند گفت: -«صبر می‌کنم تا آب کم بشه». حسن دانش آموز کلاس سوم گفت:

-«آقا آب حالا، حالاهای زیاد، کم نمیشه». منصورى نگاهش کرد و گفت: -«اگه آب کم شد رد میشم اگه هم کم نشد برمی‌گردم هفتکل.»

کافتح الله کده‌ای روستا هنوز چند قدمی با منصورى فاصله داشت که گفت: -«آقای منصورى امروز دیگه نیاورسه بری مدرسه برگرد برو هفتکل». منصورى برگشت و به کافتح‌الله که به او نزدیک شده بود نگاه کرد و گفت: -«نه برنمی‌گردم، تا عصر همین جا می‌مونم.»

در بالا دست روی بلندی مشرف به پایین دست عده‌ای جمع شده بودند، چند مرد و تعدادی از دانش‌آموزان.

مهدی قلی از بزرگان بالادست ایستاده بود و نظاره‌گر گذر رود خروشان بود که صدای آشنایی از پشت سر شنید، به طرف صدا سرس چرخاند. محمدحسن را دید آشفته و پریشان. پیش از آن‌که محمدحسن حرفی بزند، گفت: -«بیا نگاه کن مدمحسن ببین چه خبره». محمدحسن گفت «بدبختیه». مهدیقلی گفت: -«پس چرا بدبختی؟» محمد حسن گفت: «مادرم حالش بدیه باید برمش هفتکل اما چه طور؟ راه هست که بریم؟» مهدیقلی گفت: -«به کم صبرکن خدا کریمه آب که همین قدر نمی‌مونه، کم میشه.» محمد حسن سرس جنبانده، با افسوس سرجنبانند: -«تا آب کم بشه معلوم نیست چه به روز مادرم میاد.»

در پایین دست هر لحظه تعداد بیشتری جمع می‌شدند. منصورى گفت: -«ممکنه اون روستاهای بالاتر باز هم بارون بیاد اون وقت آب از این هم که هست بیشتر میشه.»

کافتح‌الله گفت: -«چاره چیه؟ کاری می‌تونیم بکنیم؟»

منصوری گفت: «بله به پل موقتی درست بکنیم که مردم بتونن رفت وآمد بکنن. اینطوری الان ارتباط دو طرف قطع شده. نه کسی می‌تونه بیاد ، نه کسی می‌تونه بره». کافتح الله گفت: -«پل وسیله می‌خواد لوله و پلیت می‌خواد.»

منصوری گفت: «اون بالاتر درخت زیادیه. قطع‌شون بکنیم با چند تا تنه درخت هم میشه پل

مردم‌سالاری

روزنامه اجتماع-سیاسی-فرهنگی-اقتصادی

صاحب امتیاز: حزب مردم سالاری
مدیرمسئول:مصطفی کواکبیان
نشانی‌اینترنتی:www.mardomsalari.net
نشانی تلگرام: mardomsalardaily
نشانی اینستاگرام: mardomsalardaily
آدرس‌تعمیریه: آتویان شیخ‌فضل‌الله نوری شمال به جنوب
خروجی خیابان سازمان آب - خیابان حاجی‌پور امیر - کوچه چهارده - پلاک ۱
تلفن: ۲۹-۸۸۲۸۲۴۶
فکس: ۸۸۲۴۲۰۹۴
رتبه‌روزنامه:۳
جابه‌نشر ریحان-تلفن: ۶۵۶۰۷۹۱۷

اتان صبح: ۴/۳۴ طلوع آفتاب: ۶/۱۰
اتان ظهر: ۱۳/۰۱
اتان مغرب: ۳۰/۱۲
پنجشنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۰ - ۱۵ رجب ۱۴۴۳ - ۱۷ فوریه ۲۰۲۲ - شماره ۵۶۵۷

دانستنی‌ها

عوارض کشیدن سیگار در دوران بارداری



شابد بسیاری از مادران

بسادار تصور کنند

چون همیشه سیگار

می‌کشند بنابراین

اکتسون و در شرایط

بارداری نیز باید به سیگار کشیدن خود ادامه دهند اما با این کار خود بلایی جبران ناپذیر سرر چنین خود می‌آورند. متأسفانه جنین به طور بالقوه در شهرهای بزرگ تحت تأثیر سرب و مواد خطرناک قرار دارد و این شرایط وقتی خطرناک تر می‌شود که جنین، مادری سیگاری داشته باشد. دانستن این موضوع که سیگار هزاران ماده سمی دارد می‌تواند مادران باردار را قانع کند که باید از سیگار کشیدن دست بکشند، اما اگر باز هم به عنوان یک مادر سیگاری باردار قانع نشده اید، به این نکات دقت کنید:
_سیگار احتمال آسم و مشکلات ریوی را در نوزاد شما پس از تولد و بروز مشکلات تنفسی در دوران جنینی افزایش می‌دهد.



درست کرد به پل موقتی ». خیبر جلو دوید و گفت: «آقا برم از خونه مون اره بیارم؟»

پیش از آن‌که آقای منصورى حرفی بزند کافتح‌الله گفت: -«ها بابام برو، پدرت رو هم بگو بیاد کمک.»

منصوری همان طور که ایستاده بود سرش را به اطراف چرخاند و گفت: «باید بریم جلوتر جایی که هم آب کمتر باشه هم فاصله دوقسمت دره کم باشه.»

مش قیاد راننده مسیر هفتکل_اهاوز که برای دیدن برادرش به سرتیوک آمده بود گفت: «شماسوار بشید من می‌برمتون جلوتر ».

در بالادست مهدیقلی نزدیک‌تر آمد و پرسید: «می‌خواید چکار کنید؟» کافتح‌الله گفت: «می‌خوایم پل درست کنیم شما هم بیایید کمک.»

در همین موقع مش محمدعلی و پدر خیبر هم از راه رسیدند. همه سوار ماشین مش قیاد شدند. جایی‌که مناسب‌تر بود ماشین ایستاد. منصورى گفت: -«چندتا تنه درخت می‌خوایم و دو سه تیکه پلیت.»

مش قیاد گفت: -«اتفاق» من توی ماشینم دو سه تیکه پلیت دارم.» مش محمدعلی گفت: -«من توی خونه‌م چند تا چندل (تنه درخت) بزرگ دارم که تا اون طرف هم میرسن. مش قیاد بیاد بریم بیاریمشون.»

کافتح‌الله گفت: -«خوبه دیگه نمی‌خواد بریم درختا رو قطع کنیم.»

مهدیقلی و محمدحسن هرطور بود خودشان را رساندند رو به روی آن‌ها.

وقتی‌مش‌قیاد آمد و همه با هم چندل‌ها را جسا گیر کردند و پلیت‌ها را روی چندل‌ها انداختند، کافتح‌الله بلند طوری که مهدیقلی و محمدحسن صدایش را بشنوند گفت: -«شما هم اون طرف چند تیکه پلیت بیارید، بندازید روی چندل‌ها.» منصورى گفت:

این پل موقته. بعد باید یک پل درست و حسابی درست کرد.

زندیک ظهر بود که محمدحسن مادرش را آورد و آرام، آرام از روی پل عبور داد تا با ماشین مش قیاد به هفتکل بروند.

کافتح‌الله گفت: -«آقای منصورى امروز دیگه گذشت برگرد برو تا فردا». منصورى گفت: -«نه نوبت بعد از ظهر حتما»

باید بریم در کلاس. موتور هم گذاشتم همون‌جا ببرش خونه خودت عصر میام از همون جا میرم هفتکل». بعد آرام و اهسته از روی پل گذشت.

تجدید فراخوان خدمات مشاوره به روش تعرفه

شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان غربی

شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان غربی در نظر دارد فراخوان خرید خدمات مشاوره مهندسی مرحله سوم

(نظارت کارگاهی و عالیه) ایجاد تاسیسات فاضلاب شهرهای چالدران و ماکو را بر طبق آیین نامه خرید خدمات مشاوره شماره **۱۹۳۵۴۲/ت/۴۴۲۹۸۶** مورخ **۱۳۸۸/۱۰/۰۱** و بروش تعرفه، به مهندسان مشاور دارای گواهینامه صلاحیت معتبر در گروه

مهندسی آب (تخصص آب و فاضلاب پایه ۳ و بالاتر) به شماره فراخوان **۱۴۰۰۵۲۹۰۰۰۱۴۰** راز طریق سامانه تدارکات

الکترونیکی دولت برگزار نماید . کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه فهرست مشاوران دارای صلاحیت ، ارسال درخواست پیشنهاد **RFQ** و **RFP**. ارائه پیشنهاد مشاوران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه

تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد و لازم است مشاوران در صورت عدم

عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ **۱۴۰۰/۱۱/۲۸** می‌باشد.

شرح مختصری از خدمات:

موضوع فراخوان	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مدت اجرا (ماه)	گواهینامه صلاحیت	تأمین اعتبار
خدمات مهندسی مرحله سوم نظارت کارگاهی و عالیه) طرح فاضلاب شهرهای چالدران و ماکو	۴۶.۱۹۴.۸۳۷.۷۷۲	۴۸	گروه مهندسی آب (تخصص آب و فاضلاب پایه ۳ و بالاتر)	عمومی و سایر منابع و سایر ابزارهای تأمین منابع مالی

مهلت زمانی دریافت اسناد فراخوان: ساعت ۱۳:۰۰ روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

مهلت زمانی ارسال پاسخ فراخوان: ساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار: آدرس: ارومیه خیابان ارتش چهار راه مخابرات ، صندوق پستی ۳۶۳ شرکت آب و

فاضلاب آذربایجان غربی دفتر قرارداده‌ها و تلفن **۰۴۴۳۱۹۴۵۳۷۲**

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: **۱۹۳۴-۰۲۱**

تاریخ انتشار نوبت اول: **۱۴۰۰/۱۱/۲۸**

تاریخ انتشار نوبت دوم: **۱۴۰۰/۱۱/۳۰**

شرکت آب و فاضلاب آذربایجانغربی (سهامی خاص)